

## تأثیر ادبیات بر تربیت کودکان

رضا صحرائورد<sup>۱</sup>

دانشجو معلم رشته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس امام علی (ع) رشت، ایران

زهرا حسن پور

دانشجو معلم رشته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا (س) تبریز، ایران

رقیه حسن پور

دانشجو معلم رشته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا (س) تبریز، ایران

فاطمه جعفری کلیبر

دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان تبریز

### چکیده

این نوشتار حاضر بر آن است از منظر تربیتی به ادبیات کودک بنگرد. ادبیات کودکان به مجموعه آثار و نوشته‌هایی گفته می‌شود که در همه آنها تربیت و شخصیت کودک مورد توجه است. کودکان جزء سرمایه های ملی هر کشوری به شمار می‌روند و استفاده کردن از برنامه های رسمی و غیررسمی در چگونگی تربیت آنها، سیاست هایی است که مسئولان آنها را در راس برنامه های خود قرار می دهند. این تحقیق با هدف بررسی تأثیر ادبیات در پرورش فکر و اخلاق کودک انجام شده است. این تحقیق از نوع توصیفی بوده و برای جمع آوری اطلاعات، سایت ها و کتاب های مربوط به ادبیات و تربیت کودک، مشاهده رفتار چند کودک با ویژگی های اخلاقی مختلف مورد بررسی قرار گرفت. این کودکان در رده سنی ۸ الی ۱۰ ساله بودند. گروه اول، گروهی بود که مفاهیم و داستان ادبی را می دانست و گروه دوم آشنایی کافی نداشت. با توجه به آزمایشات و بررسی دو گروه از کودکان، کودکانی که با مفاهیم و داستان های ادبی آشنایی داشتند، از نظر تربیتی برتر بودند. در نتیجه، مفاهیم موجود در ادبیات به دلیل داشتن انواع مهارت ها و فنون زندگی و داستان های آموزنده و حماسی روی تربیت کودک اثر مثبت دارد

واژگان کلیدی: ادبیات، تربیت، شخصیت، قصه، کودکان

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: Rezasahranavard26@gmail.com

ادب واژه‌ای است معرب از فارسی. برخی در فارسی، ادب را به معنی فرهنگ ترجمه کرده‌اند و گفته‌اند که ادب یا فرهنگ همان دانش است. از دیگر معانی واژه ادب می‌توان به هنر، حسن معاشرت، شیوه پسندیده، با سخن اشاره کرد؛ اما ادب در اصطلاح، نام دانشی است که قدما آن را شامل این علوم دانسته‌اند: واژه، صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، عروض، قافیه، قوانین خط، قوانین قرائت که بعضی اشتقاق و انشاء را هم بدانها افزوده‌اند. البته دیدگاه ادبای قدیم درباره معنی اصطلاحی «ادب» کمی مختلف است. بعضی آن را فضیلت اخلاقی، برخی پرهیز از انواع خطاها و برخی آن را مانند فرشته‌ای دانسته‌اند که صاحبش را از ناشایستی‌ها بازمی‌دارد.

اما علم ادب (ادبیات) یا سخن‌سنجی یا در دیدگاه پیشینیان اشاره داشته‌است به دانش آشنایی با نظم و نثر از جهت درستی و نادرستی و خوبی و بدی و مراتب آن. اما برخی ادیب را کسی می‌دانستند که عالم بر علوم نحو، لغت، صرف، معنا، علم بیان، عروض، قافیه و فروع باشد و برخی خط، قرض‌الشعر، انشا، محاضره و تاریخ را هم جزو آن‌ها دانسته‌اند و در ایران تا سده پیشین صفت ادیب را برای کسی به کار می‌بردند که به زبانهای فارسی و عربی و علوم مربوط که به آن‌ها اشاره شد مسلط و در سخن ماهر در استفاده از آن‌ها بود. مانند ادیب الممالک فراهانی و ادیب نیشابوری. دکتر زرین کوب، ادبیات را شامل آثار مکتوب و نوشته شده می‌داند، در حالی که در کتاب ادبیات و داستان جمال میر صادقی می‌خوانیم: نباید فراموش کرد که آثار مکتوب بسیاری برجای مانده است که قبل از آنکه به نگارش در بیاید به صورت شفاهی سینه به سینه انتقال می‌یافت. بنابراین ادبیات نه تنها آثار مکتوب را دربرمی‌گیرد، بلکه به آثار شفاهی نیز گفته می‌شود.

ادبیات همواره در زندگی ما نقش داشته و در کل یکی از عوامل خوش بیانی و کلام زیبا، داشتن فن بیان مناسب و استفاده از ادبیات خاص هست. کسی که فنون ادبیاتی را بلد باشد، سخنان او نیز جذاب خواهد شد.

بهمین زندی در کتاب روش تدریس زبان فارسی در دوره دبستان اینگونه گفته است: هدف اصلی آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در دوره ابتدایی تکامل و تعالی معنوی و مادی آنان است.

دانش آموزهای دبستانی لازم است فعالیت‌هایی را یاد بگیرند که در نگرش آنها اثر مثبتی بگذارد.

این فعالیت‌ها در قالب انواع دروس ارائه می‌شود که یکی از این درسها، ادبیات فارسی می‌باشد. دانش آموزان دوره ابتدایی به درسی نیاز دارند که نیازهای روحی آنان را ارضا کند و جنبه شخصی و ذوقی و سرگرم‌کنندگی داشته باشد که درس ادبیات این توانایی را دارد. ادبیات به رشد خلاقیت و آفرینش‌گری دانش آموزان منجر شده، به تلطیف عواطف و احساسات آنان می‌انجامد (زندگی، بهمین، روش تدریس زبان فارسی). دانش آموزان با گوش کردن یا خواندن آثار ادبی مانند شعر، قصه، داستانک و داستان کوتاه، زندگی و ابعاد آن را بهتر درک خواهند کرد. آشنایی و انس با ادبیات باعث می‌شود کودکان و نوجوانان از رفتارهای شخصیت‌های ادبی درس بگیرند. کسی که با تاریخ و ادبیات آشنا نباشد دارای افق دید بسیار محدود است. بنابراین می‌توان گفت به یاری ادبیات می‌توان دانش آموزان دبستانی را با مکان‌ها و زمان‌ها و فرهنگهای خودی و بیگانه آشنا کرد و آنان را از دایره محدود وابسته به افکار درونی محیط زندگی بسته و زمان حال به دنیای دیگران، محیط آنان و زمان‌های گذشته و آینده وارد ساخت. فرهنگ صحیح تفکر و عمل در صحنه‌های زندگی بدون ادبیات اگر غیرممکن نباشد دست کم بسیار مشکل است. ارزیابی آثار ادبی کودکان و نوجوانان را یاری می‌دهد که دیدگاه‌های جدیدی کسب کنند و باورهای درست خود را تقویت کرده اندیشه‌های نادرست را از ذهن خود بزایند. از طرف دیگر واضح است چه آثار ادبی به ویژه کتاب‌های حاوی داستان و داستان کوتاه می‌توانند راه‌های جالب‌انگیز و مشارکت دانش آموزان در برنامه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی باشند. ادبیات کودکان و نوجوانان طبعاً همه ویژگی‌های اساسی‌ای را که به طور عام برای ادبیات در نظر گرفته می‌شود باید داشته باشد، بند کلامی بودن، زیبایی، تخیل مبتنی بر واقعیات و غیره. اما به طور خاص می‌توان ادبیات کودکان و نوجوانان را به صورت زیر تعریف کرد: ادبیات کودک و نوجوان حاصل تلاش و هنرمندانه شاعر یا نویسنده

است که در قالب کلام یا زبان ارائه می شود و با زبان و شیوه های مناسب و در خور فهم کودک و نوجوان، او را به سوی کمال و رشد هدایت می کند.

حال که مفهوم ادبیات را درک کردیم سراغ تربیت می رویم: این واژه در لغت نامه دهخدا به معنی آموختن، آگاهانیدن، کسی را چیزی آموختن، آموزانیدن و... آمده است. در همان جا به معنی پروراندن، پروردن، پرورتن و آموختن معنی شده است. معنای تربیت در یک عبارت اینست: «روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، طوری که این روش، ملکه ذهن او شود.» کسی را تربیت کردن یعنی این که روش رفتاری و گفتاری به وی یاد داده شود. تربیت در بُعد اخلاقی این است و اگر ملکه ذهن شد، بدین معنی است که هر وقت کاری انجام دهد بر اساس روش رفتاری و گفتاری می باشد که مربی به وی آموزش داده. اینجاست که می گویند: «مربی او را تربیت کرده است.» تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان می شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. این کمال گاهی جنبه شناختی دارد که به دانش، شناخت و آگاهی انسان مربوط می شود. گاهی نیز جنبه کنشی یا حرکتی دارد که به رفتار و اعمال عینی انسان که اغلب دارای مظاهر جسمانی هستند مربوط می گردد و بالاخره گاهی جنبه گرایشی یا عاطفی دارد که با نگرش، اعتقاد، ایمان و علایق، احساسات انسان مرتبط است. پیترز تربیت را فرایندی می داند که دارای محتوی و روش است. تربیت عبارت است از اداره و هدایت جریان ارتقایی و رشد بشر به منظور جهت دانش به سوی کمال بی نهایت.

تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادها و نهفته اش را شکوفا سازد و به سمت کمال مطلوب، حرکت کند. در اصطلاح حقوقی نیز تربیت به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال به کار رفته است. تربیت کودک به طور خاص آن است که مربی، اعم از پدر، مادر، معلم و...، طفل را در بُعد روحی و اخلاقی پرورش دهد، به گونه ای که جسم و جان و عقل و علم او افزایش یابد، تا بتواند امور مربوط به دین و دنیای خود را انجام دهد. بخاطر همین، اهمیت تربیت در اسلام، در ظاهر ساختن کمالات باطنی بشر و به فعلیت آوردن استعدادهای درونی فرد، مورد توجه قرار می گیرد.

در دین ما همواره به رشد تربیت سفارش شده است. قرآن به ما می گوید که به تربیت خود اهمیت دهیم و این تربیت درست را به فرزندان خود نیز منتقل کنیم. کودک تا قبل اینکه مدرسه برود از نظر تربیتی به پدر و مادر خود توجه می کند و نقش والدین در تربیت کودک در سنین خردسالی یعنی تا قبل این که به مدرسه برود بسیار حیاتی است. کودک در این سنین به پدر و مادر خود نگاه می کند و از آن ها تقلید میکند. وقتی کودک بزرگتر می شود، پا به جامعه بزرگتری می گذارد و با افراد جدیدی آشنا می شود. در این سن کودک به مدرسه میرود و حال علاوه بر خانواده، معلم نیز در رشد و پرورش تربیت او دارد. کودک تحت تاثیر حرفهای معلم خود قرار میگیرد و سعی می کند مانند معلم خود رفتار کند. یکی از وظیفه های معلم این است که به او درس هایی یاد دهد که در زندگی آینده وی سودمند باشد. یکی از بهترین این درس ها، درس ادبیات فارسی می باشد. در کتاب فارسی و یا ادبیات، انواع روش های تربیتی ارائه شده است این اصول تربیتی به صورت پنهان و گاهی هم آشکارا در کتاب های فارسی قرار می گیرد و وظیفه معلم این است که این روشها را به کودک یا دانش آموز، آموزش دهد. برای مثال در دوره ابتدایی، درسی هست که راجب لاک پشتی می باشد که قصد پرواز کردن را دارد. اما بعد پشیمان می شود. معلم باید به دانش آموز بفهماند که هر کسی ویژگی خاص خودش را دارد و اگر توانایی کاری را نداشتیم، یا برای آن کار ساخته نشده ایم یا اینکه ابزار و امکانات موجود را در اختیار نداریم. در ادامه بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت:

چیزی که همیشه مورد توجه بوده و در اولویت همه اولیا و حتی نظام هر کشوری بوده تربیت کودکان بوده است چرا که کودکان آینده هر جامعه هستند و برای پیشرفت یک جامعه باید کودکان از ابتدا به خوبی تعلیم و تربیت شوند. برای تربیت کودکان باید توجه ویژه‌ای به ویژگی‌ها و خصوصیات سنی کودکان کرد. کودکان دنیای منحصر به فردی را دارا می‌باشند، جهانی پر از تخیلات را درون خود می‌سازند و همین تخیلات تاثیر بسیاری بر رفتار و سبک زندگی آنان می‌گذارد. علاوه بر این کودکان نیز به نوبه خود همچون بزرگسالان برنامه ریزی میکنند، طریقه برنامه ریزی آنها متفاوت می‌باشد، آنها بر اساس ذهنیات خود برنامه زندگی خود را می‌چینند، نه بر اساس واقعیات ذات یک کودک طوری می‌باشد که می‌خواهد قهرمان داستان خود باشد. کودکی سرشار از تخیل، استعداد، ذوق و انگیزه ولی نا آشنا با جهانی که پا در آن نهاده باید تربیت شود تا همچون گل بهاری شکوفا شود و زیبایی منحصر به فرد خودش را به رخ بکشد. کودک، همچون غنچه ای است با گلبرگ های لایه به لایه که هر کدامشان پر از رمز و راز های شگفت انگیز هستند یکی از ابزارهایی که می‌توان با آن گلبرگ ها را رمز گشایی کرد و از یک غنچه گلی زیبا به ارمغان آورد ادبیات می‌باشد.

دنیای ادبیات، دنیایی پر از تجربه، پند و اندرز، حرف هایی با ارزش کلامی بسیار است. کودکی که وارد این دنیا شود از دریچه ای جدید به تماشای زندگی خود خواهد نشست. ادبیات، تأثیر بسزایی در تربیت کودکان دارد، قصه هایی که به کودکان می‌آموزد قهرمان لحظه‌های خود باشند، دریای عظیم وجود خود را خروشان سازند و قدرت خود را به رخ جهانیان بکشند. داستان هایی از جنس گردآفرید که جسارت زنان را در وجودشان بیدار می‌کند، داستان کلاغ و روباه که به کودکان می‌آموزد از دروغگویی و فریب دوری کنند، شعر هایی پر از احساس و عواطف که انسانیت را یادآوری می‌کنند. هر کدام از اینها راه رسم زندگی هستند که یک به یک از طریق تخیل به کودکان آموخته میشوند، از طریق دنیای شیرینی که در آن روباه حرف می‌زند و درخت دست تکان می‌دهد و ابر با تمام سخاوتش میبارد برای زمینیان. هر کدامشان به کودک می‌آموزند صداقت را، جسارت را، سخاوتمندی را. افسانه ها می‌آموزند که هیچ چیز غیر ممکن نیست و هر غیر ممکنی که گفته می‌شود ارزش تلاش کردن را دارد. ادبیات پر است از راه و رسم زندگی که اگر به خوبی به کودک منتقل شود میتواند یک شخصیت بسیار با کمالاتی را در وجود کودک نمایان سازد.

### ادبیات کودکان چیست؟

به تعبیری می‌توان گفت: ادبیات کودکان متون نو و تازه ای هستند که دربردارنده درون و محتوای راستین واژه ها برای کودکانند. واژگانی که به منظور تربیت فردی و اجتماعی آنان به گونه ای زیبا و هنری بیان می‌شوند و افزون بر این، به رشد علمی و فکری و گسترش واژگان و نیز تخیل کودکان کمک می‌کنند. چنین کاری با گزینش واژگانی که متناسب سن کودک و توان درک و دریافت وی باشد، البته با بهره وری از شیوه ای زیبا مناسب و رغبت انگیز به فرجام می‌رسد. کشورهای معتقد به ارزش انسان و ضرورت تربیت مداوم در طول زندگی، به ویژه دوران کودکی و نوجوانی، فعالیت‌های چشمگیری در گسترش ادبیات کودکان و نوجوانان دارند.

با کمک ادبیات می‌توان تاریخ و حوادث شورانگیز و سازنده را به نسل جدید انتقال داد و با داستانهای حماسی و قهرمانی از مردان بزرگ و قهرمانان، جوانانی شجاع و برومند ساخت و خصایل انسانی و الهی را به کودک و نوجوان آموخت و او را به ایثار و فداکاری تشویق نمود.

ادبیات کودکان، نه تنها از نظر کیفی نباید چیزی از ادبیات بزرگسالان کمتر داشته باشد، بلکه چون برای انسانی جوان و کم تجربه به وجود می‌آید باید عالی تر و سازنده تر هم باشد. روزگاران قدیم به جز قصه‌های شیرین، شعرها، ضرب‌المثلها و چیستانهای بسیاری نیز سینه به سینه نقل شده است که بسیاری از این شعرها و قصه‌های مخصوص کودکان با بهره‌گیری از ادبیات عامیانه نوشته شده‌اند. بخش بزرگی از خود شعرها و قصه‌های عامیانه به عنوان ادبیات کودک پذیرفته شده‌اند.

### ادبیات کودکان چگونه می تواند شخصیت آنان را شکل داده یا تثبیت کند؟

پاسخ این پرسش آن است که این مهم به گونه ای درونی و درمیان لایه های مسائل تربیتی، اخلاقی، علمی، فردی و اجتماعی و به شکل زیبایی که عرضه می شود، پدیدار می گردد. این موارد را به گونه ای فهرست وار چگونه می توان برشمرد: امکان رسیدن به جامعه ای سالم از طریق تربیت صحیح کودکان- رشد ذوق ادبی، هنری و زیبایی شناسی آنان- رشد حس و نیروی نقادی کودکان- جایگزین سازی واژه های درست و تقویت و ماندگار سازی گنجینه واژگان بچه ها- آموزش شیوه های درست سخن گفتن- آگاهی دادن به کودکان نسبت به مسائل پیرامون خودشان- توانمندسازی آنان برای دسته بندی دانش های مربوط به تاریخ، جغرافیا و به طور کلی علوم گوناگون و به تعبیری ارائه دانش ها به گونه ای شایسته به آنها- شناساندن شخصیت های برجسته ای که می توانند الگوهای برای کودکان به شمار روند ادبیات، کودک را در همه ی اوقات زندگی پرورش می دهد و باعث مسرت خاطر، وسعت تخیل و قوت تصور او می شود و نیز نیروی ابتکار و ابداع به او می بخشد. داستا‌ن‌ها و اشعاری که کودکان می خوانند و می شنوند اثری عمیق در فکر و روحیه ی آنان می گذارد و ایشان را برای رویارویی با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می سازد و نیز در درک و فهم مشکلات زندگی آنان را یاری می کند. ادبیات کودک، به ویژه در زمینه های زبان آموزی و آموختن کلمات تازه به کودکان، نقش قاطعی دارد.

میشل لاندبسرگ، منتقد کانادایی، درباره اهمیت ادبیات و کتاب‌های ادبی در تربیت کودک، پرورش شخصیت و ایجاد هویت فردی و اجتماعی و اجتماعی آنان می‌گوید: «ادبیات برای کودک کارهای زیادی انجام می‌دهد که بهترین آن‌ها توسعه افق‌ها و القای حسی در باره پیچیدگی زندگی و ماهیت خویش است. هیچ سرگرمی دیگری تا این حد نمی‌تواند به صورت همه‌جانبه ذهن کودک را با نهادها، الگوها، معانی، امکانات مدنی و خویشتن خویش و هویت اصلی‌اش آشنا سازد» (هانت، ۱۳۸۲)

### تأثیر قصه در کودکان

داستان و قصه نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد. از طریق قصه ها و داستان های خوب، کودک به بسیاری از ارزش های اخلاقی پی می برد

پایداری، شجاعت، نوع دوستی، امیدواری، آزادگی، جوانمردی، طرفداری از حق و حقیقت و استقامت در مقابل زور و ستم ارزش هایی هستند که هسته ی مرکزی بسیاری از قصه ها و داستا‌ن‌ها را تشکیل می دهند.

پرورش حس زیبایی شناسی در کودک، متوجه ساختن کودک به دنیایی که اطرافش را فرا گرفته، پرورش عادات مفید در کودک، تشویق حس استقلال طلبی و خلاقیت کودک هدف های اصلی طرح قصه های خوب برای کودکان است.

کودکان از طریق داستان‌ها و افسانه‌ها با حقایق و تجربه‌های زندگی آشنا می‌شوند. تأثیرپذیری از شخصیت‌های قصه، تقویت قدرت فهم و بیان، پرورش خلاقیت، آموزش زبان و افزایش گنجینه واژگان کودکان نیز از دیگر تأثیرهای آموزشی و تربیتی داستان‌سرایی به‌شمار می‌روند. در واقع داستان خلاقیت گسترده‌ای است که با آن هر فردی می‌تواند عقاید به‌ظاهر نامعقول را بازبایی و آن‌ها را جایگزین و استفاده سازنده از آن‌ها را مطرح کند.

داستان‌سرایی به‌مثابه تدبیری مداخله‌ای برای آموزش می‌تواند دانش‌آموزان را به کشف معنای منحصر به فرد بودن خود ترغیب کند و توانایی آن‌ها را برای برقراری ارتباط واقعی بین افکار و احساسات افزایش دهد. مهارت‌های کلامی می‌تواند توانایی دانش‌آموزان را برای حل و فصل اختلاف بین فردی به‌صورت آرام و توأم با بحث و گفت‌وگو افزون سازد. بیان داستان و نیز گوش فرا دادن به آن دانش‌آموزان را به بهره‌گیری از تخیلاتشان تشویق می‌کند. این تخیل قوی می‌تواند اعتماد به نفس و انگیزش شخصی را در دانش‌آموزان افزایش دهد، زیرا آنان خود را برای نیل به امیال و آرزوهایشان شایسته و توانا تصور می‌کنند.

قصه‌ها می‌تواند از نظر تربیت اجتماعی، عاطفی و اخلاقی نیز موثر واقع شوند و بسیاری از مقررات، هنجارهای اجتماعی و دستورالعمل‌های زندگی را منتقل کنند. چگونگی روبرو شدن با مشکل‌ها، حل آن‌ها و بسیاری از الگوهای رفتاری در گروه‌ها و طبقه‌های مختلف اجتماعی و سنی در داستان‌ها بیان می‌شود. اگر والدین یا درمان‌گران قادر به فهم افکار سری کودک یا شناسایی احساس‌های پنهان او باشند، هر اندازه تفسیرهای انجام شده نیز درست باشند، باز این فرصت از کودک گرفته می‌شود که خود از طریق شنیدن پی در پی داستان و تفکر درباره آن به احساس رویارویی موفقیت‌آمیز با مشکل خود دست یابد. به‌همین دلیل است که رویکردهای داستانی به روان‌درمانی تأکید دارد و قصه‌ها در چگونگی رفتار و واقعیت‌های کودکان نقش موثری ایفا می‌نمایند.

### شرایط گزینش قصه برای کودکان

از نظر محتوایی قصه باید به کودکان در زمینه پاسخ یابی نسبت به پرسش‌هایی که دارد، شامل آگاهی‌های گوناگون، تفسیر مسایل طبیعی به گونه‌ای درست و علمی و دیگر پرسش‌های آنان، کمک کند. هم‌چنین قصه باید تخیل کودکان را تقویت کرده و آنان را در فهم مسایل یاری برساند. قصه عموماً باید پایان خوشی داشته باشد

### نقش شعر در تربیت کودک

تأکید امام علی صلی الله علیه و آله بر آموختن شعر پدرش ابو طالب به فرزندان و توصیه امام صادق صلی الله علیه و آله به تعلیم شعر عبدی به آنان، نشانه آن است که از نگاه اهل بیت علیهم السلام شعر، نه تنها در حوزه فرهنگ و ادب، بلکه در عرصه تعلیم و تربیت، بویژه تربیت نسل نو، دارای نقشی بنیادین و والاست و بر مطالعه آثار ادبی دریچه‌ای از تاریخ و فرهنگ هر ملت را به روی مخاطب می‌گشاید و درک و فهم و نگرش خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجایی که تأثیر این امر در دانش آموزان مقطع ابتدایی بیش از مقاطع بالاتر است و هم‌چنین فهم و درک و تأثیر برخی از دروس به وسیله شعر و قصه در فراگیران این مقطع به مراتب می‌تواند بیش از مواد و مسایل آموزشی دیگر باشد، از این رو ترغیب دانش آموزان به خواندن کتاب‌های شعر و قصه توسط آموزگار و ایجاد عادت به مطالعه و کتاب‌خوانی توسط والدین، آثار قابل ملاحظه‌ای را به همراه دارد.

این امور موجب می‌شود کودکان به خودی خود از شخصیت‌های بارز و مثبت ادبی درس بگیرند و برترین‌ها را به عنوان الگو برگزینند و با فرهنگ‌های خودی و بیگانه آشنا شوند. ارزش و باورها و هنجارهای صحیح را کسب کرده و اندیشه‌های نادرست را کنار بزنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آثار ادبی می‌تواند بهترین وسیله برای تغییر نگرش و فرهنگ‌سازی در کودکان باشد. با توجه به آزمایشات و بررسی دو گروه از کودکان، کودکانی که با مفاهیم و داستان‌های ادبی‌آشنایی دارند، از نظر تربیتی برتر هستند.

### مبانی نظری تحقیق

این تحقیق راجع به تأثیر ادبیات بر روی کودک است و اینکه چه کارانجام دهیم و از چه روش‌های استفاده کنیم که ادبیات منجر به رشد تربیت و پرورش فکری کودک شود و به همین دلیل مطالبی را از منابع و کتاب‌های مختلف پیدا کردیم که موضوع تحقیق ما را در بر می‌گیرد. نظریه‌هایی که می‌توان برای این تحقیق ارائه داد این است ادبیات همواره در زندگی ما نقش داشته و یکی از عوامل خوش‌بینی و داشتن فن بیان مناسب است. نظریه بعدی این است که دانش آموز‌های دبستانی لازم است فعالیت‌هایی را یاد بگیرند که در نگرش آنها اثر مثبتی بگذارد و یکی از این فعالیت‌ها که می‌تواند دانش آموز را با مکانها و زمانها و فرهنگ‌های خودی و بیگانه آشنا کرد آنان را از دایره محدود وابسته به افکار درونی محیط زندگی بسته زمان

حال به دنیای دیگران وارد ساخت، درس ادبیات فارسی می باشد. نظریه دیگری که می توان ارائه داد این است که همیشه تربیت کودکان در اولویت یک جامعه بوده است زیرا که همین کودکان آینده این جامعه را می سازند و برای این هدف کودک گذشته و حال خود آشنا باشد و ادبیات نیز این ویژگی را دارد که با استفاده از پندهایش کودک را در مسیر رشد، قرار دهد. نظریه دیگری که می توان ارائه داد این است که ادبیات مختص به سن نوجوان یا بزرگسال نیست و کودکان را نیز شامل می شود برای مثال می توان گفت که در کتابهای فارسی دوره ابتدایی انواع شعرها از شاعرهای مختلف سرود شده و در هر یک از این شعرها پندهایی برای کودکان وجود دارد که وظیفه معلم یاددهی آن می باشد. میشل لاندبسرگ منتقد کانادایی هم درباره اهمیت ادبیات و کتاب های ادبی در تربیت کودک می گوید: ادبیات برای کودکان کارهای زیادی انجام می دهد که بهترین آنها، توسعه افق ها و القای حسی درباره پیچیدگی زندگی و ماهیت خویش است. در مجموع ما یافتیم که ادبیات و داستان هایی که در آن هست روی تربیت کودک تاثیر مثبتی دارد. برای اینکه ما به این هدف های خود و نظریه های ارائه شده برسیم از انواع کتاب های ادبیات در دوره ابتدایی و پایگاه های مخصوص به ادبیات، استفاده می کنیم. برای این تحقیق لازم است که محقق توانایی درک مفهوم ادبیات و تربیت و نقش مهم ادبیات بر روی تربیت کودک داشته باشد. فلسفه پیدایش این موضوع، دغدغه محققان برای یافتن تاثیر ادبیات بر روی کودک بود. کارایی این مقاله برای حل مسائلی همچون چگونگی تاثیر ادبیات روی تربیت کودک، مفهوم تربیت و ادب نقش معلم در راستای این هدف می باشد.

برای بهره برداری از قابلیت های این موضوع، پیشنهاد ما این است که معلم ها برای درس ادبیات اهمیت بیشتری قائل بشوند و مدارس برای درس ادبیات، برنامه های ویژه ای را در نظر بگیرند. همچنین معلم می تواند کتاب های مثنوی معنوی و شاهنامه و هر کتابی که از نظر ادبی، جنبه تربیتی داشته باشد را در صورت امکان، با خود به کلاس بیاورد و هر جلسه نکات مهم و آموزشی آنها را به دانش آموز خود یاد بدهد.

#### مواد و روش ها

برای این پژوهش از روش گردآوری داده استفاده شده است. این تحقیق، یک تحقیق توصیفی می باشد و با استفاده از مدارک و اسنادی که از راه تحقیق و جستجو در کتاب ها و سایت های مختلف به دست آمده، جمع آوری شده است. در این پژوهش، به سایت های مختلفی راجع به ادبیات و تربیت کودک می باشد، مراجعه شد. همچنین در این تحقیق، رفتار چند کودک با ویژگی های اخلاقی مختلف را در نظر گرفته شد. این کودکان در رده سنی ۸ الی ۱۰ ساله بودند. گروه اول، گروهی بود که مفاهیم و داستان ادبی را می دانست و گروه دوم آشنایی کافی نداشت.

#### بحث و نتیجه گیری

نتایجی که ما از این تحقیق گرفته ایم، موارد زیر است: دانش آموزان دبستانی لازم دارند که فعالیت های یاد بگیرند که در نگرش آنها اثر مثبتی بگذارد. از آنجا که این دانش آموزان آینده جامعه را تشکیل می دهند، بنابراین نگرش مثبت آنها نیز می تواند در رشد و تعالی جامعه تاثیر داشته باشد.

نتیجه بعدی که می توان گرفت این است که ادبیات به رشد خلاقیت و آفرینشگری دانش آموزان منجر می شود. ادبیات ایران، مملو از سخنان و پند های مختلف ادبی می باشد و در این کتابها از انواع شعرها سخن به میان آمده است، بنابراین این نتیجه را می توان گرفت که این تنوع سخن و شعر های ایرانی، می تواند روی خلاقیت کودک تاثیر مثبتی داشته باشد.

نتیجه دیگری که می توان گرفت این است که کتاب های ادبیات کودکان و نوجوانان، راههای دانش افزایی و مهارت آموزی را یاد داده است. در کتاب های فارسی، از انواع فنون سخن استفاده شده است و پنجه هایی که مناسب کودک باشد در قالب

حکایت داخل کتاب وجود دارد بنابراین می توان گفت که کودک با یادگیری این پندها، مهارت های مناسب و سودمندی را در زندگی فرا میگیرد.

نتیجه دیگر این است که تربیت کودک همیشه اولویت یک جامعه بوده است و با استفاده از برنامه آموزش فارسی یا ادبیات می توان به این هدف رسید. از آنجا که دنیای ادبیات فارسی، دنیایی پر از تجربه پند و اندرز و حرف های باارزش کلامی بسیار است، وقتی کودک وارد این دنیا شود، از دریچه ای جدید به تماشای زندگی خود خواهد نشست. بنابراین می توان گفت که ادبیات نقش بسزایی در تربیت کودکان در جامعه دارد

نتیجه دیگر این است که ادبیات پر است از راه و رسم زندگی که اگر به خوبی به کودک منتقل شود می تواند یک شخصیت بسیار با کمالاتی را در وجود کودک نمایان سازد. برای درک این نتیجه می توان به داستان هایی که در ادبیات کودکان وجود دارد، مراجعه کرد. برای مثال هفت خان رستم که نماد استقامت و پایداری در برابر مشکلات است. یا شعر هایی که در ابتدای کتاب آمده است، کودکان به خداپرستی دعوت میکند و نمونه هایی مانند این.

بنابراین دنیای ادبیات دنیایی پر از تجربه، پند و اندرز و حرف هایی با ارزش کلامی بسیار است و وقتی کودک وارد این دنیا می شود، از دریچه ای جدید به تماشای زندگی خود خواهد نشست. از آنجا که متون و محتوای درون ادبیات کودک پر از مسائل تربیتی اخلاقی و علمی فردی و اجتماعی به شکل زیبا می باشد، می توان گفت که ادبیات منجر به رشد علمی و فکری و گسترش واژگان و نیز تخیل کودکان میشود و این عمل منجر می شود که کودک برای جامعه خود و افراد در آن جامعه ارزش قائل شود. ادبیات علاوه بر اینکه کودک را با داستان های حماسی و قهرمانی از مردان بزرگ و قهرمانان آشنا می سازد، انواع مهارت های زندگی را در قالب شعر و حکایت به او یاد می دهد. و با توجه به آزمایشات و بررسی دو گروه از کودکان، کودکانی که با مفاهیم و داستان های ادبی آشنایی داشتند، از نظر تربیتی برتر بودند.

#### منابع

پایگاه اطلاع رسانی حوزه (hawzah.net)

پایگاه نوگرا (eslahe.com)

تبیان (tebyan.net)

لغت نامه دهخدا

ویکی پدیا، تعریف ادب و تربیت

ویکی فقه، تربیت کودک،

حکیمی، محمود، ۱۳۵۹، کتاب کودک و نوجوان (درباره ادبیات کودکان و نوجوانان و مسائل تربیتی)، ناشر مؤسسه انجام کتاب

رحماندوست، مصطفی، ۱۳۷۲، ادبیات کودکان و نوجوانان (سال سوم دانشسراهای تربیت معلم)، شرکت چاپ و نشر ایران

زندگی، بهمن، ۱۳۹۸، روش تدریس فارسی در دوره دبستان، انتشارات سمت

شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۹، ادبیات کودکان، انتشارات اطلاعات

میرصادقی، جمال، ۱۳۹۸، ادبیات و داستان، انتشارات سخن